فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۴۲۰-۴۰۵ New Period, No 17, 2019, P 405-420
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

نقش ایمان در مشفوعین روز جزا

نسرین انصاریان
مدرس و پژوهشگر جامعه‌الزهراء (س)، قم، ایران
nasrin.ansarian@yahoo.com

چکیده

مسئله «شفاعت در رستاخیز» از ضروریات دین اسلام بوده و منکر آن کافر شمرده می‌شود؛ آیاتی در قرآن برصفات مشفوعین دلالت دارد اهمیت شناخت آن صفات این است که هر مسلمانی در این رابطه دو باور مسلم دارد اول این که به جز معصومین هیچ فردی مصون از گناه نیست و دوم شفاعت در قیامت حتمی است بنابراین مطلع شدن صفات مشفوعین قدم اول و ضروری است برای این که هر انسانی با تلاش بتواند خود را در زمره مشفوعین قرار دهد. این پژوهش با بهره‌مندی از روش تحقیق عقلی و وحیانی به روش گردآوری کتابخانه‌ای و با پردازش توصیفی تحلیلی نوشته شد؛ دست‌آورد پژوهش این شد که ایمان عنصر اساسی در شفاعت قیامت است؛ سابقون به دلیل دارا بودن ایمان و عمل صالح مجوز ورود به بهشت بدون شفاعت را دارند؛ کافران به دلیل عدم ایمان مشمول شفاعت نمی‌شوند؛ اصحاب یمین به دلیل داشتن ایمان وارد جهنم نمی‌شوند و به دلیل محدودیت اعمال صالح مجوز ورود به بهشت ندارند اما با شفاعت کمبود اعمال صالح آنان جبران و اجازه ورود به بهشت را کسب می‌کنند؛ ویژگی اساسی برای مشفوعین رضایت الهی از دین و ایمان آنان است.

واژه‌های کلیدی: رابطه ایمان و شفاعت، معیار گناه مغفور، عدم نیاز سابقون به شفاعت، عدم شفاعت کافران، مشفوعیت اصحاب یمین، مرضی الهی بودن مشفوعین.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مقدمه

اسلام به عنوان آخرین دین الهی ضروریاتی دارد که یکی از آنها «شفاعت» در قیامت است که به واسطه آن گروهی با دارا بودن صفاتی خاص، مشمول این رحمت گسترده الهی می‌شوند؛ مطلع شدن از آن صفات از این جهت اهمیت دارد که هر شخصی با مطلع و معتقد شدن به نقش آن صفات تلاش جدی خواهد کرد که خود را مزین به آن صفات کند.

ضرورت بحث آن است که در جامعه اکنونی و در عصر حاضر تعداد بیشماری از مسلمانان درخواست شفاعت را تنها در دعاهای خود بروز می‌دهند و تلاش عملی و چشم گیری را جهت احراز شرایط لازم برای مشفوع بودن، از خود نشان نمی‌دهند.

مسلمانان به مسئله شفاعت از زمان صدر اسلام تا به حال عنایت داشته‌اند به همین دلیل سیر تاریخی این بحث به زمان نزول قرآن برمی‌گردد؛ مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی از همان قرون اولیه پیرامون این مسئله به تبادل آراء پرداخته‌اند.

سیر نگارشی بحث نیز به اوائل اسلام برمی‌گردد؛ در آغاز اندیشمندان علوم قرآنی در لابلای مطالب خود و مفسران در برخورد با آیات شفاعت نظرات خود را بیان می‌کردند در قرون بعدی به دلیل اهمیت بحث کتاب‌هایی که منحصر در این موضوع بود نوشته شد.

کتابی با عنوان «اثبات الشفاعه و ثمره الطاعه» در سال ۱۳۶۱ توسط محمدحسین شاهچراغی نوشته شده؛ این کتاب همان طور که از نامش پیداست به جنبه اثبات شفاعت وضرورت و لزوم آن پرداخته است.

کتابی نیز با عنوان اثبات عقائد شیعه» نوشته علی علی‌زاده در سال ۱۳۸۹ چاپ شده که در آن امامت، مهدویت، شفاعت و توسل با اتکا به آیات و روایات اثبات و نظر شیعه مورد تائید واقع شده است؛ در راستای اثبات عقائد شیعه کتاب دیگری با عنوان «امامت و شفاعت» نوشته علی اکبر ناصری در سال ۱۳۵۸ چاپ شده است.

کتاب دیگری پیرامون مسائل استغاثه، توسل و شفاعت نوشته شیخ جعفر کاشف الغطاء که مرتضی قاسمی کاشانی ترجمه کرده و برآن شرحی نوشته در سال ۱۳۷۳ به رشته تحریر در آمده است.

برخی از پایان نامه‌هائی که در این رابطه نوشته شده عبارتند از:

ـ «شفاعت از دیدگاه علامه طباطبائی و سیدقطب» نوشته غلام علی جانی‌پور در سال ۱۳۹۴؛ در این پایان نامه به درک مفهوم شفاعت و برقراری یک رابطه معنوی با اولیاء مقرب الهی از دیدگاه دو مفسر پرداخته شده است.

ـ «قلمرو شفاعت در قرآن و حدیث و ردّ شبهات شفاعت» در سال ۱۳۹۰ توسط فرزانه خانی منشادی و پایان‌نامه دیگری با عنوان «بررسی مسئله شفاعت و پاسخ به شبهات آن از نظر آیت‌الله سبحانی» در سال ۱۳۹۲؛ عمده تلاش این دو رساله بررسی شبهات پیرامون این مسئله و بیان استدلال برای رد آنها بوده.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ـ «بررسی و تحلیل شفاعت از دیدگاه قاضی عبدالجبار فخررازی محمدبن‌عبدالوهاب و علامه‌طباطبائی» در سال ۱۳۹۱ نوشته زهرا حمزه‌ای؛ و «بررسی تطبیقی موضوع شفاعت از دیدگاه علامه جوادی آملی و علامه مطهری» در سال ۱۴۸۹ توسط فاطمه عبداللهی تهرانی؛ این دو پایان‌نامه مقایسه دیدگاه دو اندیشمند در جوانب مختلف شفاعت است.

ـ پایان نامه‌ای نیز با عنوان «معناشناسی شفاعت در قرآن با رسم میدان‌های معناشناختی آن» در سال ۱۳۹۵ توسط مهدی حسن‌زاده نوشته شده در این رساله به تصویر کامل شفاعت همراه با تجزیه و تحلیل عناصر و مفاهیم کلیدی اطراف شفاعت یعنی نصرت، عهد، رضایت، شهادت و. . پرداخته شده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود تلاش‌های ارزشمندی در این راستا صورت گرفته، ولی آنچه بیش از هر چیز مورد توجه یک مسلمان است دانستن این مسئله است که چه صفاتی را باید دارا باشد که از این خوان گسترده الهی برخوردار شود هر چند نویسندگان تا به حال در لابلای مطالب خود نکاتی را در این رابطه بیان کرده‌اند ولی به صورت جداگانه و خاص به این مطلب پرداخته نشده، لذا این نوشته به دنبال رسیدن به این نکته است و گام‌های ضروری برای رسیدن به آن پاسخگوئی به پرسش‌های زیر است.

ـ رابطه ایمان و شفاعت چیست؟

ـ معیار گناه مورد بخشش کدام است؟

ـ علت عدم نیاز سابقون به شفاعت چیست؟

ـ چرا کافران مورد شفاعت واقع نمی‌شوند؟

ـ چه صفتی اصحاب یمین را سزاوار مشفوعیت کرده است؟

۲. مفهوم‌شناسی

واژگان اصلی در این نوشته دو واژه «شفع و ایمان» است؛ ریشه اصلی شفاعت «ش ف ع» بوده و لغویون در معنی آن تقریباً هم عقیده بوده و آن را مقابل «وتر» و به معنی پیوستن و ضمیمه شدن چیزی به همانند خود دانسته‌اند؛ اگر «شفع» برای عدد به کار رود اشاره به جفت بودن آن دارد در مقابل «وتر» که به معنی فرد بودن عدد است و اگر برای انسان به کار رود به معنی ملحق شدن به دیگری است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج۱، ص ۲۶۰ و فیومی، ۱۴۱۴، ج۲، ص ۳۱۷ و ابن فارس، ۱۴۰۴، ج۳، ص ۲۰۱ و ابن درید، ۱۹۸۸، ج۲، ص ۸۶۹ و زبیدی، ۱۴۱۴، ج۱۱، ص ۲۴۶)

معنای اصطلاحی «شفاعت» در نزد مفسران عبارت است از «واسطه شدن شخصی که دارای مقام بلندی است برای شخصی دیگر به جهت کمک و برطرف کردن کمبودهای او» مراد از کمبود در این تعریف دارا نبودن اعمال صالح و یا محدودیت آن است. (ابن عطیه، ۱۴۲۰، ج۱، ص ۱۴۱ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۳، ص ۴۹۷ و رشید رضا، ۱۴۱۴، ج۳، ص ۲۱ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۲، ص ۲۶۸)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

در معنی لغوی «ایمان» آورده‌اند که ریشه آن «ا م ن» و معنی آن آرامش و اطمئنان و مخالف خوف است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج۸، ص۳۸۸ و جوهری، ۱۳۷۶، ج۵، ص۲۰۷۱ و ابن سیده، ۱۴۲۱، ج۱۰، ص۴۹۲ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص ۲۱ و فیروز آبادی، ۱۴۱۵، ج۴، ص۱۷۸ و زبیدی، ۱۴۱۴، ج۱۸، ص۲۳ و راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۰۵)

لغویون «ایمان» را «تصدیق» معنا کرده‌اند. (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج۱۰، ص ۴۹۲ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۲۱ و فیروز آبادی، ۱۴۱۵، ج۴، ص۱۷۸ و موسی، ۱۴۱۰، ج۲، ص۱۲۵۹ و حیدری، ۱۳۸۱، ص۳۰)

برخی از لغویون در این که «ایمان» به معنی «تصدیق» است ادعای اجماع کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۲۱ و طریحی، ۱۳۷۵، ج۶، ص۲۰۲ و زبیدی، ۱۴۱۴، ج۱۸، ص۲۳)

معنی اصطلاحی ایمان با عنایت به این که صفت برای چه کسی واقع شود مختلف است اگر «مومن» صفت خدا واقع شود به معنی این است که خداوند در وعده‌ای که به بندگانش می‌دهد صادق بوده و بندگان از عذاب او در امان هستند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج۱، ص۱۳۳و ابن سیده، ۱۴۲۱، ج۱۰، ص۴۹۲)

اگر انسان مزین به صفت «ایمان» شود باید سه حالت در او جمع شده باشد، شناسائی یا تحقیق با اندیشه و دل؛ اقرار بزبان و بیان کردن آن؛ عمل کردن با اعضاء و جوارح. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۲۰۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۲۱)

دلیل این امر این است که ایمان یک واژه مشکک است و مراحلی دارد در اولین مرحله که در قرآن به صورت متعدی به نفسه می‌آید به معنی تصدیق است که مرحله نخست یعنی معرفت الهی است در مرحله دوم با «باء» می‌آید یعنی «ایمان بالله» که مرحله پذیرش و تصدیق صفت کبریائی خداوند است این مرحله را وثاقت و اطمئنان نیز معنا کرده‌اند در مرحله بعدی با «لام» می‌آید یعنی «ایمان لله» که به معنی اذعان است و مرحله خضوع و پیروی اوامر و نواهی خداوند است. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج۱۸، ص۲۳ وطریحی، ۱۳۷۵، ج۶، ص۲۰۲) با توجه به مراحل و مشکک بودن ایمان، قرآن افرادی را که اعتقاد دارند ولی تسلیم عقیده خود نبوده و ایمانشان توام با عمل نیست منافق یا کافر شمرده می‌شوند و از طرفی هر قدر ایمان و اعتقاد قوی‌تر باشد تسلیم محکمتر خواهد بود. (قرشی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۱۲۳)

۳. رابطه ایمان و شفاعت

هدف شفاعت، تربیت دینی و انسان‌سازی است و پایه اصلی تربیت دینی رابطه انسان با خداست، که از آن تعبیر به ایمان می‌شود به همین دلیل تمامی قیود و شروط شفاعت در راستای برقراری و گسترش این ارتباط است به گونه‌ای که در اثر وجود و شدت و ضعف ایمان، هم اجازه شفاعت به مومنان مقرب الهی داده می‌شود، و هم مجرمان مومن در خور شفاعت می‌گردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۲۲، ص ۵۲۹)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

در قرآن به دلیل اقتضائات تربیت دینی مشمولین شفاعت به طور واضح بیان نشده‌اند ولی با در کنار هم گذاشتن چند آیه و تفسیر عقلانی آنها و با بهره گیری از نظرات مفسران، برخی از ویژگی‌های مشمولین شفاعت به دست می‌آید.

٤. معیار گناه مغفور

بزرگان دین گناه را دو قسم می‌دانند قسمی که منجر به مقت و خشم الهی از گناهکار شده و مشمول عفو واقع نمی‌شود و قسمی که قابلیت عفو الهی برای مجرم را دارد. (غزالی، ۱۳۸۶، ج۳، ص ۷۸۳)

شفاعت تنها شامل گناهکارانی می‌شود که گناه آنها موجب مقت و خشم الهی نشود، آن گناهان با توجه به استعمال واژه مقت در قرآن مشخص می‌گردند.

در قرآن واژه «مقت» چهار بار به کار رفته:

ـ در آیه ۳۹ فاطر «. . . لا یَزیدُ الْکافِرینَ کُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلاَّ مَقْتاً. . . » گناه کفر موجب مقت می‌شود.

ـ در آیه ۲۲ نساء «لا تَنْکِحُوا ما نَکَحَ آباؤُکُمْ مِنَ النِّساءِ إِلاَّ ما قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ کانَ فاحِشَةً وَ مَقْتاً وَ ساءَ سَبیلاً» رعایت نکردن احکام الهی موجب مقت می‌گردد.

ـ در آیه ۳۵ غافر «الَّذینَ یُجادِلُونَ فی آیاتِ اللَّهِ بِغَیْرِ سُلْطانٍ أَتاهُمْ کَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ. . . » پیروی نکردن از حق سبب مقت الهی است.

ـ در آیه ۳ صف «کَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ» نفاق موجب مقت الهی می‌گردد.

به جز گناهانی که موجب مقت الهی می‌گردند و منشأ اصلی همه آنها کفر است، خداوند بقیه گناهان را می‌بخشد یعنی گناهی که با وجود ایمان شخص انجام شود مورد شفاعت قرار می‌گیرد.

٥. شفاعت و گروه‌های انسانی در قیامت

انسانها بنابر آیه ۷ واقعه «وَ کُنْتُمْ أَزْواجاً ثَلاثَةً» در قیامت به سه دسته سابقون، اصحاب شمال و اصحاب یمین تقسیم می‌شوند، شمول و عدم شمول شفاعت برای این سه دسته به قرار زیرا است.

٥. ١. عدم نیاز سابقون به شفاعت

این گروه برخلاف اصحاب یمین و شمال، بدون حساب‌رسی وارد بهشت می‌شوند و بنابر آیه ۶۱ مومنون «أُولئِکَ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ» به دلیل این که در دنیا از دیگران سبقت گرفته بودند در آخرت نیز از اصحاب یمین در رفتن به بهشت سبقت می‌گیرند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۲۹، ص ۳۸۷ و ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج۱۸، ص۶۵)

این گروه مزین به دو صفت ایمان و عمل هستند به دلیل دارا بودن ایمان وارد جهنم نمی‌شوند و به دلیل دارا بودن عمل صالح وارد بهشت می‌شوند پس برای ورود به بهشت نیاز به شفاعت ندارند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

۵. ۲. عدم شفاعت برای کافر

مضمون آیات در ردّ شفاعت برای کفارِ بی‌ایمان، دو گونه است:

الف) آیاتی که به صورت عام شفاعت را نفی می‌کنند:

در آیه ۴۸ بقره «اتَّقُوا یَوْماً لا تَجْزی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئاً وَ لا یُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ. . » بدون در نظر گرفتن سیاق، واژه «شفاعت» به دلیل این که نکره در سیاق نفی است عمومیت نفی شفاعت را می‌رساند.

با توجه به سیاق آیه مربوط به یهود است که می‌پنداشتند همواره در بهشت خواهند بود و آنها نیز ایمان به حق نداشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۱، ص ۲۲۱)

در هر دو صورت آیه نفی بر شفاعت بی ایمانان را ثابت می‌کند.

آیه ۲۵۴ بقره «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ یَوْمٌ لا بَیْعٌ فیهِ وَ لا خُلَّةٌ وَ لا شَفاعَةٌ. . . » شبیه همین آیه است در این آیه واژه «شفاعت» به دو قرائت خوانده شده «شَفاعَةٌ» که «لا» مشبهه به لیس - باشد و «شَفاعَةَ» که «لا» نفی جنس می‌باشد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج۲، ص ۴۸۹ و فخررازی، ۱۴۲۰، ج۶، ص ۵۳۱ و ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج۱، ص ۳۴۳)

در هر دو قرائت اگر آیه را جدای از سیاق در نظر بگیریم یعنی در قیامت هیچ‌گونه شفاعتی نیست. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج۱، ص ۱۰۳ و قاسمی، ۱۴۱۸، ج۱، ص ۳۰۳)

اگر سیاق آیه را لحاظ کنیم نفی شفاعت برای یهودیان است که خود را نژاد برتر می‌دانستند ومعتقد بودند که در قیامت به دلیل شفاعت انبیاء عذاب نمی‌بینند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج۱، ص ۱۴۱ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج۱، ص ۱۳۷ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۳، ص ۴۹۷ و قطب، ۱۴۲۵، ج۱، ص ۱۷۱ و ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج۱، ص ۴۷۱ ورضا، ۱۴۱۴، ج۳، ۲۱ وطبرانی، ۲۰۰۸، ج۱، ص۱۶۱ و ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج۱، ص ۲۶۶و طبرسی، ۱۴۱۲، ج۱، ص ۴۴)

مانند آیه قبل در هر دو احتمال رد شفاعت برای کفار ثابت می‌شود.

آیات دیگری نیز دلالت بر عدم شفاعت برای کفار دارند از جمله: «ما لِلظَّالِمینَ مِنْ حَمیمٍ، وَ لا شَفیعٍ یُطاعُ» که از طرفی دلیل عدم حمیم و شفیع برای آنان با توجه به لفظ «الظَّالِمینَ» و این قاعده که وصف مشعر به علیت است ظالم بودن آنان است و از طرفی دیگر با توجه به «إِنَّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظیم» ظلم آنان به دلیل شرک و عدم ایمان آنان است؛ نتیجه این می‌شود که عدم شفیع برای آنان به دلیل بی ایمانی آنان است.

این امر از زبان کافران در آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ شعراء «فَما لَنا مِنْ شافِعینَ وَ لا صَدیقٍ حَمیمٍ» به خوبی بارز است.

شبهه‌ای در این جا مطرح است و آن این که این آیات که نفی عمومی شفاعت در قیامت را می‌رساند با آیاتی که شفاعت در قیامت را اثبات می‌کند و محل بحث این نوشته است تناقض ظاهری دارد رفع تناقض به این صورت است که قیامت مواضع گوناگون دارد که در برخی مواطن آن شفاعت نیست و در برخی مواطن شفاعت هست، همانطور که پرسش و عدم پرسش در قیامت در آیات ۱۰۱ مومنون «فَلا أَنْسابَ بَیْنَهُمْ

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

یَوْمَئِذٍ وَ لا یَتَساءَلُونَ» و ۲۷ صافات «وَ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلی بَعْضٍ یَتَساءَلُونَ» به دلیل مواطن گوناگون است. (قاسمی، ۱۴۱۸، ج۱، ص ۳۰۳)

ب)آیات دیگر می‌رساند که شفاعت هست ولی فائده‌ای به حال آنان ندارد مانند آیه ۴۸ مدثر «فَما تَنْفَعُهُمْ شَفاعَةُ الشَّافِعِینَ»

برخی ردّ شفاعت در این آیه برای بی ایمانان کافر را، سالبه به انتفاع موضوع دانسته‌اند، زیرا شفاعت به طور کلی ردّ نشده بلکه به علت این که شرط بهره‌بردن از شفاعت ایمان است و کفار ایمان ندارند قابلیت مشفوع بودن را ندارند و موضوعاً از بحث شفاعت خارج هستند. (حائری تهرانی، ۱۳۳۸، ج۱۱، ص ۳۰۲ و نهاوندی، ۱۳۸۶، ج۶، ص ۳۷۴ و صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰، ج۷، ص ۲۷۳ و مدرسی، ۱۴۱۹، ج۱۷، ص ۱۱۵ وطباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۵۴ و سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج۱۴، ص ۳۷۰)

برخی در تفسیر آیه به بیان عامل و وسیله شفاعت پرداخته‌اند و آورده‌اند که شفاعت متوسل شدن انسان به مقام بالاتر است کافر که ایمان به خدا و نبی(ص) و قرآن ندارد به چه چیزی متوسل شود؟! (مغنیه، ۱۴۲۵، ۷۷۸ و طبری، ۱۴۱۲، ج۲۹، ص ۱۰۵ و سمرقندی، ۱۴۱۶، ج۳، ص ۵۱۹)

برخی نیز به دلیل صراحت آیه در ردّ شفاعت کفار بی‌ایمان، به مفهوم آیه اشاره کرده‌اند و قائلند که تخصیص آیه گویای این مطلب است که قومی از اهل توحید با شفاعت از جهنم رهائی می‌یابند ولی این قوم کفار نیستند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج۲۹، ص ۳۰۵ و فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۷۱۶)

برخی به همه این نکات اشاره کرده‌اند. (بروسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۴۳)

علاوه بر آیاتی که در ردّ شفاعت کفار وارد شده، برخی از مفسران ادعای اجماع کرده‌اند که عقاب کفار با شفاعت از بین نمی‌رود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۹۳ و طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۸۷ و کاشانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۷۵)

در آیه ۴۸ نساء «إِنَّ اللَّهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذلِکَ لِمَنْ یَشاءُ» هر چند لفظ «شفاعت» نیامده ولی سخن از مغفرت و بخشش الهی است و به روشنی بیان می‌کند که خداوند همه گناهان به جز شرک را می‌بخشد پیداست که وقتی پای شرک از دامن بنده بریده شود پای ایمان به میان می‌آید و این ایمان همان است که موجب شفاعت در آخرت می‌شود. (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۱۶۲ و ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۹۰ و جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۴۹)

از بررسی آیات این نتیجه به دست می‌آید که برای عدم ورود به جهنم، ایمان شرط ضروری است که کفار این شرط را ندارند لذا ورود به جهنم برای آنان حتمی است.

۵. ۳. مشفوع بودن اصحاب یمین

دقت در آیات حاکی است که مشفوعین، اصحاب یمین هستند؛ وضوح مطلب نیاز به مقدماتی دارد:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مجرمین دو طائفه‌اند، گروهی که ایمان و عمل صالح ندارند و گروهی که ایمان آورده، ولی همه اعمال آنها صالح نبوده، گروه اول کفار و گروه دوم اصحاب یمین هستند.

واژه «یمین» از ریشه «ی م ن» مقابل واژه «شؤم» است؛ «اصحاب یمین» یا «میمنهٔ» صاحبان سعادت و نقطه مقابل «اصحاب شمال» یا «مشئمه» که صاحبان شقاوت و بدبختی هستند می‌باشند همان کسانی که نامه اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج۲۷، ص۱۳۱)

در آیه ۳۸ تا ۴۲ مدثر سه صفت برای اصحاب یمین آمده: «كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ رَهِينَةٌ، إِلَّا أَصْحابَ الْيَمِينِ، فِي جَنَّاتٍ يَتَساءَلُونَ، عَنِ الْمُجْرِمِينَ ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ؟ قالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ، وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ، وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخائِضِينَ، وَ كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ، حَتَّى أَتانَا الْيَقِينُ، فَما تَنْفَعُهُمْ شَفاعَةُ الشَّافِعِينَ» «هر کسی گروگان عمل خویش است، به جز اصحاب یمین، که در بهشت‌ها قرار دارند، و از یکدیگر سراغ مجرمین را گرفته، می‌پرسند: چرا دوزخی شدید؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم، و به مسکینان طعام نمی‌خوراندیم، و همیشه با جستجوگران در جستجو بودیم، و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم، تا وقتی که یقین بر ایمان حاصل شد، در آن هنگام است که دیگر شفاعت شافعان سودی برای آنان ندارد».

نکات مرتبط به بحث در آیه:

الف) نداشتن صفات جهنمیان: اصحاب یمین به علت متصف بودن به ایمان الهی صفات جهنمیان را ندارند این صفات در این آیه مربوط به ارتباط انسان با «خالق، خلق و خویشتن» است به این صورت که ذکر نماز رمزی است برای رابطه خالق و مخلوق، زکات و ترک مجالس اهل باطل، در ارتباط با رابطه انسان با خلق و اجتماع است و ایمان به قیامت در ارتباط با خویشتن انسان است این امور از توحید شروع و به معاد ختم می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج۲۵، ص ۲۵۴)

ب) برخورداری از شفاعت شافعان: شفاعت شامل آنها می‌شود پس آنان مرتکب گناه شده‌اند ولی به دلیل متصف بودن به ایمان مشمول شفاعت شده و از عقاب دور مانده‌اند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج۴، ص ۵۰۰ و قاسمی، ۱۴۱۸، ج۱، ص ۳۰۳ و طالقانی، ۱۳۶۲، ج۱، ص ۱۵۱ و طباطبائی، ۱۳۷۴، ج۱، ص ۲۶۰ و ج ۲۰، ص ۲۴۳)

ج) انسان بودن آنان: در مصداق اصحاب یمین اختلاف است گروهی اطفال، ملائکه، طائفه‌ای از مکلفین یا کسانی که در یوم میثاق در طرف راست حضرت آدم (ع) بودند را از مصادیق آن دانسته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲، ج۲۹، ص ۱۰۵ و زمخشری ۱۴۰۷، ج۴، ص ۶۵۶)

اما قول به ملائکه بودن برای اصحاب یمین قابل نقد است به دلیل این که ملائکه اختیار و تکلیف ندارند و ایمان به خدا، زمانی ارزش دارد که شخص مخیر و مکلف باشد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج۱۵، ص ۱۴۷)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

بررسی آیات در مورد اصحاب یمین حاکی از این مطلب است که این گروه به دلیل مزین بودن به ایمان وارد جهنم نمی‌شوند ولی به دلیل نداشتن و یا محدودیت چشمگیر عمل صالح مجوز ورود به بهشت را هم ندارند ولی در سایه شفاعت کمبود آنان جبران و سعادت ورود به بهشت را به دست می‌آورند.

٦. مرضی خدا بودن مشفوعین

در آیاتی از قرآن به ایمان داشتن و رضایت خداوند از دین مشفوعین، اشاره شده که در این نوشته سه آیه در این زمینه بررسی می‌گردد.

۶. ۱. در آیه ۲۸ انبیاء «وَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی» در این آیه شفاعت مشروط به رضایت خداوند شده؛ اما اشاره‌ای به این که مراد رضایت خداوند از شافع یا مشفوع است، ندارد همین طور آیه از بیان متعلق رضایت که دین است یا فعل آنان، ساکت است.

لذا دو نکته در آیه قابل توجه است:

نکته اول: ارتضاء از شافع یا مشفوع هر دو در آیه محتمل است.

به دو دلیل مراد رضایت از مشفوع است:

ـ شفع متعدی به نفسه است اگر با «لام» جاره بیاید یعنی واسطه شده برای کمک به نفع فلانی مثل آیه ۵۳ اعراف: «فَهَلْ لَنا مِنْ شُفَعاءَ فَيَشْفَعُوا لَنا». (حیدری، ۱۳۸۱، ص۳۸۸)

ـ مفعول «ارتضی» ضمیر «ه» است یعنی شفاعت برای کسی است که خدا از او راضی است به دلیل این که موصول «من» رابط صله می‌خواهد و رابط آن در این جا لزوماً مفعول خواهد بود. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج۱۷، ص ۳۹)

نکته دوم: اکثر قریب به اتفاق مفسرانی که نظراتشان دیده شده مراد از «ارتضاء» را رضایت از ایمان و دین آنان دانسته‌اند. (مقاتل بن‌سلیمان، ۱۴۲۳، ج۳، ص ۷۶ طبری، ۱۴۱۲، ج۱۷، ص ۱۴ و سمرقندی، ۱۴۱۶، ج۲، ص ۴۲۵ و قشیری، ۲۰۰۰، ج۲، ص ۴۹۹ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج۷، ص ۷۲ وابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج۱۳، ص ۲۲۰ و فخررازی، ۱۴۲۰، ج۲۲، ص ۱۳۷ و ابوحیان، ۱۴۲۰، ج۷، ص ۴۲۴ و محلی، ۱۴۱۶، ۳۲۷ و مغنیه، ۱۳۷۸، ج۵، ص ۴۴۳ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۱۳، ص ۳۹۴ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج۱۹، ص ۲۷۶ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج۹، ص ۳۲ و ابن عجیبه، ۱۴۱۹، ج۳ ۴۵۵ وطباطبائی، ۱۳۷۴، ج۱۴، ص ۳۹۰)

پس آیه می‌رساند که «رضایت خداوند از دین و ایمان آنان» از صفات مشفوعین است.

۶. ۲. آیه ۱۰۹ طه «يَوْمَئِذٍ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ، إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ و رضی له قولاً»

در این آیه دو احتمال متصور است اگر نقش «من» مفعول تنفع باشد مراد مشفوع است و اگر «من» بدل از شفاعت باشد نقش آن فاعل است که در این صورت باید واژه «شفاعت» را در تقدیر گرفت یعنی «إلا شفاعة من أذن له». (درویش، ۱۴۱۵، ج۶، ص ۲۵۱)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

در حالت اول مشفوع و در حالت دوم شافع مرضی خدا است اگر حالت اول اثبات شود جزء ویژگی‌های مشفوع و محل بحث است و در حالت دوم از ویژگی‌های شافع بوده و محل بحث نیست.

نظرات مفسران:

الف) مراد از مرضی خدا بودن، مشفوعین هستند: (فراء، ۱۹۸۰، ج۲ ۱۹۲ و طبری، ۱۴۱۲، ج۱۶، ص ۱۵۷ و ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج۱۳، ص ۱۸۹ و عکبری، ۱۴۱۹، ۲۶۰ و ابوحیان، ۱۴۲۰، ج۷، ص ۳۸۵ و مهائمی، ۱۴۰۳، ج۲ ۲۴ و کاشانی، بی‌تا، ج۶، ص ۲۳ و ابن عجیبه، ۱۴۱۹، ج۳، ص ۴۲۱ و مغنیه، ۱۳۷۸، ج۵، ص ۴۰۱)

ب) مراد از مرضی خدا بودن شافعین هستند: (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج۲، ص ۴۱۳ و طوسی، بی‌تا، ج۷، ص ۲۱۱ و قاسمی، ۱۴۱۸، ج۷، ص ۱۴۹ و صدیق حسن خان، ۱۴۲۰، ج۴، ص ۳۷۳)

ج) هر دو نظر محتمل است: (زمخشری، ۱۴۰۷، ج۳، ص ۸۹ و شیخ زاده ۱۴۱۹، ج۵، ص۶۶۱ اشکوری، ۱۳۷۳، ج۳، ص ۸۹)

د) قول به رضایت برای مشفوع ارجح است: زیرا مسلم است که شافع مورد رضایت خداست و بیان آن در آیه ایضاح واضحات است؛ قائل این نظر ادعا کرده که این آیه قویترین دلیل بر ثبوت شفاعت در حق فساق است زیرا خداوند به قول او که توحید است راضی است و همین رضایت برای شفاعت او کافی است. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج۲۲، ص ۱۰۲)

نتیجه تحلیل و بررسی این است که ظاهراً نقش «من» مفعولی و مراد مشفوع است زیرا «لا تنفع» بحث نفع و فائده را مطرح می‌کند که پیداست فائده شفاعت برای مشفوع است از طرفی برای خداوند از لفظ «رحمن» استفاده کرده که سخن از لطف و رحمت پروردگار است که شامل مشفوع می‌شود علاوه بر این در «رضی له قولاً» به احتمال قوی مراد از «قول» عقیده و باور است؛ زیرا واژه قول برای اعتقاد محض نیز به کار می‌رود. (راغب، ۱۴۱۲، ص۶۸۸ و ابن سیده، ۱۴۲۱، ج۶، ص۵۶۱ و زمخشری، ۱۹۷۹، ص۵۲۸)

علت این که قول به معنی اعتقاد است را این دانسته‌اند که همانطور که خواسته‌های انسان مخفی است و با قول و سخن بارز می‌شود اعتقاد انسان نیز مخفی است و با قول او شناخته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۱، ص۵۷۲)

۶. ۳. آیه ۲۶ نجم «وَ کَمْ مِنْ مَلَکٍ فِی السَّماواتِ لا تُغْنِی شَفاعَتُهُمْ شَیْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ یَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَرْضی»

سیاق آیه این است که مشرکین قائل به شفاعت بتها بودند، و آیه در ردّ عقیده آنان نازل شده به طوری که بطلان قول آنان از طریق فحوای خطاب صورت گرفته یعنی ملائکه‌ای که منزلت عالی در نزد خدا دارند بدون اذن خدا شفاعت نمی‌کنند پس بتها به طریق اولی نمی‌توانند شفاعت کنند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج۲۷، ص ۱۱۸)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

با توجه به لفظ «ملک» پیداست شافع ملائکه هستند ولی مراد از اذن دادن به «لمن یشاء» و «یرضی» اذن دادن به شافع است یا مشفوع نظرات مختلفی بیان شده:

الف) مراد شافع است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج۴، ص ۱۶۳ و طبری، ۱۴۱۲، ج۲۷، ص ۳۸ و سمرقندی، ۱۴۱۶، ج۳، ص ۳۶۲ وصادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج۲۷، ص ۴۳۳ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج۱۴، ص ۵۹ و ابن عجیبه، ۱۴۱۹، ج۵، ص ۵۰۹ و حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج۱۶، ص ۲۹ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۲۸، ص ۲۵۷ و طباطبائی، ۱۴۷۴، ج۱۹، ص ۶۳)

ب) مراد شافع است و احتمال مشفوع بودن را به عنوان یک قول مطرح کرده‌اند. (طبرانی، ۲۰۰۸، ج۶، ص ۱۴۲ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج۹، ص ۲۶۸)

ج) هر دو را قائلند. (کاشانی، بی‌تا، ج۹، ص ۸۲ و اشکوری، ۱۳۷۶، ج۴، ص ۳۰۱)

نتیجه تحلیل و بررسی این است که «لام» در « لِمَنْ یَشاءُ وَ یَرْضی» دو احتمال دارد یا متعلق به «یاذن» است یعنی ملائکه شفاعت می‌کنند بعد از این که خدا به آنها اذن داد و به شفاعت آنها راضی شد و دوم این که «لام» همان است که بر سر مشفوع له می‌آید و مفعول «یاذن» محذوف می‌باشد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۲۸، ص ۲۵۶)

بررسی احتمال اول: فعل «اذن» با حروف جر «باء، الی و لام» استعمال می‌شود که با هر حرف جری مانند بسیاری از افعال دیگر اندکی تغییر در معنای آن ایجاد می‌شود، وقتی با «لام» متعدی شود به معنی اجازه و گوش دادن است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج۱، ص ۵۶ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص ۹ و ابن سیده، ۱۴۲۱، ج۱۰، ص ۹۶ حیدری، ۱۳۸۱، ص۲۱ و راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۱، ص۱۶۳)

در این صورت مراد از «اذن» دادن به ملائکه برای شفاعت این است که خداوند به هر یک از ملائکه که بخواهد اجازه شفاعت می دهد همان طور که آیه ۷ غافر «وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» می‌رساند که ملائکه به استغفار و شفاعت مومنان مشغولند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج۱۹، ص ۶۳ و ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج۲۷، ص ۱۱۸به عنوان یک احتمال) با توجه به قاعده وصف مشعر به علیت است علت استغفار و شفاعت ملائکه ایمان مشفوعین است.

بررسی احتمال دوم

لام در «لِمَنْ یَشاءُ» همان است که بر سر مشفوع له می‌آید پس مراد مشفوعین هستند مثل آیه ۲۸ انبیاء «وَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج۲۷، ص ۱۱۸ و حقی بروسوی، بی‌تا، ج۹، ص ۲۳۸)

علاوه بر آن مراد از «یَرْضی» در آیه رضایت الهی از مشفوعین است زیرا شافع در آیه ملائکه هستند و ملائکه مصون از گناه بوده و مسلماً مرضی الهی هستند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

شبهه: با پذیرش این امر که داشتن ایمان برای مشفوع بودن کافی است این شبهه پیش می‌آید که در این صورت مومنان هیچ خوفی نخواهند داشت و با خیالی آسوده می‌توانند گناه کنند زیرا اطمئنان دارند که به دلیل داشتن ایمان مشمول شفاعت می‌شوند؟!

نکته لطیفی در این آیه پاسخ شبهه را بیان می‌کند و آن این که آیه شفاعت را مقید به مشیت الهی کرده در نتیجه انسان مردد می‌ماند زیرا در صورت ارتکاب گناه مطمئن نیست که مشمول شفاعت می‌شود یا نه. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۲۸، ص ۲۶۰ و ابن عاشور، ۱۳۷۴، ج۲۷، ص ۱۱۸)

پاسخ دیگری که داده شده این که ایمان عنصری است که هم ایجاد آن در قلب، تهذیب نفس و تلاش می‌خواهد و هم نگه‌داری آن محتاج تلاش و تهذیب نفس است زیرا بسیار حساس و متغیر بوده و عوامل گوناگونی مانند زوال نعمت، سلب توفیق، واقع شدن در بلیات طبیعی و تسلط شیطان آن را تقویت، تضعیف و حتی نابود می‌کنند پیداست که در راستای تغییر در ایمان نقش معاصی پررنگتر از عوامل دیگر است چه بسا ارتکاب به یک معصیت ایمان چندین ساله فردی را به نابودی بکشاند. (طیب، ۱۳۶۹، ج۹، ص ۱۶۵)

نتیجه‌گیری

ـ هدف از شفاعت انسان‌سازی و تقویت رابطه خالق و مخلوق است که این رابطه در سایه ایمان به وجود می‌آید.

ـ هر گناهی که موجب خشم و مقت الهی نگردد در خور بخشش و مغفرت الهی هست لذا در قیامت این دسته از گناهان با شفاعت آمرزیده می‌شوند.

ـ سابقون به دلیل این که علاوه بر ایمان از اعمال صالح نیز برخوردارند شرایط ورود به بهشت بدون داشتن شفیع را دارا هستند.

ـ کافران به دلیل نداشتن ایمان و آلوده بودن به شرک صلاحیت برخورداری از شفاعت را ندارند.

ـ اصحاب یمین به دلیل دارا بودن ایمان به جهنم برده نمی‌شوند ولی به دلیل نداشتن و یا کمی اعمال صالح برای ورود به بهشت نیازمند شفاعت هستند.

ـ مهمترین صفت مشفوعین مرضی خدا بودن آنان است که به دلیل دارا بودن ایمان متصف به این صفت گشته‌اند.

ـ شبهه ترغیب به گناه به دلیل مشفوع بودن، برای متصفان به ایمان قابل قبول نیست زیرا اولاً مشفوعیت در آیات مقید به مشیت الهی شده ثانیاً ایمان که شرط اصلی مشفوع بودن است متغیر بوده و تحت عوامل خاصی تضعیف و حتی نابود می‌گردد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱)، المحکم و المحیط الأعظم، ۱۱جلد، دارالکتب العلمیۀ - بیروت، چاپ: اول.

ـ ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغۀ، ۶جلد، مکتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ: اول.

ـ ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، ۱۵جلد، دار صادر - بیروت، چاپ: سوم.

ـ ابن‌عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، ۳۰جلد، مؤسسۀ التاریخ العربی - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ ابن‌عجیبه، احمد، (۱۴۱۹)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ۵جلد، حسن عباس زکی - مصر - قاهره، چاپ: اول.

ـ ابن‌عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۶جلد، دار الکتب العلمیۀ، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۱)، تفسیر غریب القرآن (ابن قتیبه)، ۱جلد، دار و مکتبۀ الهلال - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: اول.

ـ ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰)، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۱جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ اشکوری، محمد بن علی، (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، ۴جلد، دفتر نشر داد - ایران - تهران، چاپ: اول.

ـ آل‌غازی، عبدالقادر، (۱۳۸۲)، بیان المعانی، ۶جلد، مطبعۀ الترقی - سوریه - دمشق، چاپ: اول.

ـ آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶جلد، دار الکتب العلمیۀ، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲)، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، ۱۰جلد، دار إحیاء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، (۱۴۳۰)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، ۲جلد، دار الفکر - اردن - عمان، چاپ: اول.

ـ جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶)، الصحاح: تاج اللغۀ و صحاح العربیۀ، ۶جلد، دار العلم للملایین - بیروت، چاپ: اول.

ـ حائری طهرانی، علی، (۱۳۳۸)، مقتنیات الدرر، ۱۲جلد، دار الکتب الإسلامیۀ - ایران - تهران، چاپ: اول.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ـ حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۱۸جلد، لطفی - ایران - تهران، چاپ: اول.

ـ حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، ۱۰جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ حیدری، محمد، (۱۳۸۱)، معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها، ۱جلد، المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه - قم، چاپ: اول.

ـ درویش، محی‌الدین، (۱۴۱۵)، اعراب القرآن الکریم و بیانه، ۱۰جلد، الارشاد - سوریه - حمص، چاپ: چهارم.

ـ دینوری، عبدالله بن محمد، (۱۴۲۴)، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، ۲جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۰۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی)، ۴جلد، مرتضوی - تهران، چاپ: دوم.

ـ رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، ۱۲جلد، دار المعرفة - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹)، أساس البلاغة، ۱جلد، دار صادر - بیروت، چاپ: اول.

ـ زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴جلد، دار الکتاب العربی - لبنان - بیروت، چاپ: سوم.

ـ سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر، ۰۱۴۰۸)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۴جلد، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: دوم.

ـ سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، ۳جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی، (۱۴۱۹)، حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، ۸ جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۳۰جلد، فرهنگ اسلامی - ایران - قم، چاپ: دوم.

ـ صدیق‌حسن‌خان، محمدصدیق، (۱۴۲۰)، فتح البیان فی مقاصد القرآن، ۷جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ طالقانی، محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، ۶جلد، شرکت سهامی انتشار - ایران - تهران، چاپ: چهارم.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: پنجم.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ـ طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، ۶جلد، دار الکتاب الثقافی - اردن - اربد، چاپ: اول.
ـ طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: سوم.
ـ طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ۳۰جلد، دار المعرفة - لبنان - بیروت، چاپ: اول.
ـ طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، ۶جلد، مرتضوی - تهران، چاپ: سوم.
ـ طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰جلد، دار إحیاء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: اول.
ـ طیب، عبدالحسین، ، (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴جلد، اسلام - ایران - تهران، چاپ: دوم.
عکبری، عبدالله بن حسین، (۱۴۱۹)، التبیان فی إعراب القرآن، ۱جلد، بیت الأفکار الدولیة - عربستان - ریاض، چاپ: اول.
ـ غزالی، محمد بن محمد، (۱۳۸۶)، احیاء علوم الدین (ترجمه)، ۴جلد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - تهران (ایران)، چاپ: ششم.
ـ فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۳۲جلد، دار إحیاء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: سوم.
ـ فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰)، معانی القرآن (فراء)، ۳جلد، الهیئة المصریة العامة للکتاب - مصر - قاهره، چاپ: دوم.
ـ فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، کتاب العین، ۹جلد، نشر هجرت - قم، چاپ: دوم.
ـ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵)، القاموس المحیط، ۴جلد، دار الکتب العلمیة - بیروت، چاپ: اول.
ـ قاسمی، جمال‌الدین، (۱۴۱۸)، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، ۹جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: اول.
ـ قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ۷جلد، دار الکتب الاسلامیه - تهران، چاپ: ششم.
ـ قشیری، عبدالکریم بن هوازن، (۲۰۰۰)، لطائف الاشارات : تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، ۳جلد، الهیئة المصریة العامة للکتاب - مصر - قاهره، چاپ: سوم.
ـ قطب، سید، (۱۴۲۵)، فی ظلال القرآن، ۶جلد، دار الشروق - لبنان - بیروت، چاپ: سی و پنجم.
ـ کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، (بی تا)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ۱۰جلد، کتابفروشی اسلامیه - ایران - تهران، چاپ: اول.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ـ ماتریدی، محمد بن محمد، (۱۴۲۶)، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، ۱۰جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ محلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶)، تفسیر الجلالین، ۱جلد، مؤسسة النور للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، ۱۸جلد، دار محبی الحسین - ایران - تهران، چاپ: اول.

ـ مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰جلد، دار الفکر - بیروت، چاپ: اول.

ـ مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۵)، التفسیر المبین، ۱جلد، دار الکتاب الإسلامی - ایران - قم، چاپ: سوم.

ـ مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، ۸جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) - ایران - قم، چاپ: اول.

ـ مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۵جلد، دار إحیاء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: اول.

ـ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ۲۸جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: دهم.

ـ مکی بن حموش، (۱۴۲۹)، الهدایة إلی بلوغ النهایة، ۱۳جلد، جامعة الشارقه، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی - امارات - شارجه، چاپ: اول.

ـ موسی، حسین یوسف، (۱۴۱۰)، الإفصاح فی فقه اللغة، ۲جلد، مکتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ: چهارم.

ـ مهائمی، علی بن احمد، (۱۴۰۳)، تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، ۲جلد، عالم الکتب - لبنان - بیروت، چاپ: دوم.

ـ نهاوندی، محمد، (۱۳۸۶)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، ۶جلد، موسسة البعثة، مرکز الطباعة و النشر - ایران - قم، چاپ: اول.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]